

نقد دیدگاه‌ها

در چرایی وجود آیات متشابه در قرآن*

مجید حیدری فر^۱

چکیده:

به فرموده قرآن مجید، آیات الهی دو دسته‌اند: محکم و متشابه. متشابهات نیز دو ویژگی دارند: ۱- دستاویزی برای فتنه‌جویان بیماردل، ۲- تأویل‌پذیری. با توجه به تصریح خود قرآن به وجود متشابهات در آن، پرسشی در افکار پدید آمده است که راز وجود این آیات در قرآن حکیم چیست؟ در این نوشتار پاسخ‌های گونه‌گون قرآن‌پژوهان و مفسران گرانمایه را که به هجده پاسخ می‌رسد، بررسی نموده و همه را بر کرسی نقد می‌نشانیم و در پایان، جواب درست را پیش می‌نهیم. از نظر نگارنده، وجود تشابه ناگزیر و طبیعی بوده و به لحاظ ظرف نزول و داشته مخاطبان، جز آن راهی نبوده است، اما این بدان معنا نیست که امکان جلوگیری از تشابه وجود نداشته، بلکه به معنای طبیعی بودن بر اساس اقتضای حکمت است.

کلیدواژه‌ها:

آیات محکم / آیات متشابه / حکمت متشابهات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۹، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۱۹.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2017.48481.1679

یکی از مباحث آیات متشابه، گفت‌وگو درباره حکمت و چرایی هستی آنها در قرآن است، چون به تعبیر صریح قرآن، آیات متشابه، نوعی همانندی فتنه‌انگیز (همانندی مراد با نامراد) را دربر دارند که بیمار دلان و فتنه‌جویان برای تأویل نادرست، از آنها به غلط استفاده می‌کنند، بدین سبب، پرسش از چرایی وجود چنین آیاتی برای توده مخاطبان قرآن بجاست.

به نظر می‌رسد سه شبهه اصلی، زمینه‌ساز این سؤال است:

- ۱- هدف قرآن هدایت مردم است و وجود آیات متشابه در آن - که زمینه سوء استفاده فتنه‌گران را در پی دارد - با هدایتگری قرآن، در تعارض است.
- ۲- یکی از اهداف قرآن، رفع اختلاف اجتماعی و دفع نابسامانی فکری مردم است، در حالی که وجود آیات متشابه سبب پیدایش مکاتب مختلف عقیدتی و کلامی شده است؛ به‌گونه‌ای که گاه تعارض‌ها و درگیری‌های جدی را به دنبال داشته است!

۳- نزول برخی آیات به گونه متشابه، یا عروض تشابه بر بعضی آیات قرآن پس از مرحله نزول، این ابهام و پرسش را در پی دارد که تشابه آیات یاد شده، آیا به خواست و تدبیر خدا صورت گرفته است یا خیر؟ پاسخ هرچه باشد، با حکمت یا قدرت خدا ناسازگار است!

علامه طباطبایی در توضیح این شبهات می‌نویسند:

«یکی از اعتراض‌ها بر قرآن این است که دارای آیات متشابه است؛ با اینکه شما مسلمانان ادعا دارید که تکلیف مردم تا روز رستاخیز در قرآن هست؛ نیز قرآن را قول فصل می‌دانید؛ یعنی کلامی است که حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌سازد، در حالی که هم اهل مذاهب باطل به آیات آن تمسک می‌جویند، و هم آن مذهبی که در واقع حق است و این به سبب تشابه بعضی از آیات آن است. اگر همه آیاتش روشن بود و متشابهات نداشت، بی‌شک با هدف قرآن هماهنگ‌تر و نزدیک‌تر بود و ریشه اختلاف و انحراف را می‌خشکاند و



می‌سوزاند.» (طباطبایی، ۶۵/۳)

در این نوشتار برآنیم تا جواب‌هایی را که مفسران و دانشمندان علوم قرآن به این پرسش داده‌اند، با دقت و باریک‌بینی تمام بررسی، و در پایان پاسخ درست را پیش نهیم.

گونه‌شناسی تشابه

بسیار شایسته است که پیش از ارائه آرای مفسران و قرآن‌پژوهان درباره اسرار و حکمت‌های وجود آیات متشابه در قرآن حکیم، این پرسش مبنایی و مهم را پیش نهیم: آیا اساساً آیات متشابه با ویژگی تشابه، از سوی خدا نازل شده‌اند یا عنوان تشابه، پس از نزول بر آنها عارض شده است؟

چنان‌که در ادامه این پژوهش آمده است، در این مقاله هجده دیدگاه و تحلیل در زمینه چرایی وجود آیات متشابه ارائه و بررسی و نقد شده است، اما بیشتر بر این پیش‌فرض تکیه دارند که تشابه مشهود در برخی آیات قرآن، ذاتی و اولی است؛ یعنی خدای والا این آیات را همراه با تشابه و نوعی ابهام در معنا یا مصداق نازل کرده است. در حقیقت تشابه موجود در آیات، تدبیری آگاهانه از سوی خداست تا مردمان را در پرتو آن آزموده یا آنان را به تفکر وادارد.

در این میان تنها یک یا دو دیدگاه را می‌توان شناسایی کرد که تحلیل خود را بر این مبنا استوار ساخته‌اند که آیات قرآن به دور از ابهام و تشابه عمدی است و رخداد تشابه در برخی آیات، نتیجه طبیعی و ناگزیر بهره‌گیری قرآن از ادبیات بشری برای ارائه مفاهیم متعالی و حیانی است، یا معلول افکار دگراندیشان در دوران پس از عصر نزول است. توجه به این نکته مهم از آن جهت اهمیت دارد که شبهات و نقدها متوجه پیش‌فرض نخست (اقدام عمدی خدای والا به تشابه کردن آیات) است، نه مبنای دوم (رخداد طبیعی و ناگزیر).

دیدگاه مفسران در تبیین چرایی وجود آیات متشابه

در تبیین چرایی وجود آیات متشابه می‌توان به این دیدگاه‌ها اشاره کرد:

۱. ارائه معانی در قالب آرایه‌های ادبی (استعارات و کنایات) برای اعلام اعجاز قرآن
این آیات که عموماً از آرایه‌های ادبی برخوردارند، برای نشان دادن فصاحت و بلاغت افزون قرآن و در نهایت، بایسته ساختن معجز بودن آن است؛ به گونه‌ای که بشر در برابر عظمت ساختاری و ادبی آن خضوع کرده و به آن ایمان آورد (ابن جوزی، ۳۰۱/۱؛ بلاغی ۱۲/۳؛ طباطبایی، ۶۶/۳).

نقد یکم: تشابه فتنه‌انگیز راه درستی برای اثبات اعجاز نیست، بلکه خدای والا برتر از آن است که برای اظهار آسمانی و الهی و قدسی بودن قرآن، از روشی مدد جوید که اصل هدف نزول قرآن - هدایت مردم و فصل‌الخطاب بودن آن - دستخوش آسیب گردد.

نقد دوم: ناتوان‌ساز بودن قرآن تنها به لفظش نیست تا برای اثبات آن، به چنین شیوه شبهه‌ناکی رو آورد، بلکه وجوه اعجاز آن مختلف و متنوع است؛ فصاحت و بلاغت، اخبار از غیب، پیشگویی‌ها، پیراستگی از اختلاف و تناقض و... پس نمی‌توان پذیرفت که برای بایسته‌سازی اعجاز قرآن باید الفاظ و واژگان آن متشابه باشند.

نقد سوم: اینکه همه آیات متشابه از زبان استعاری و ادبی برخوردار باشند، جای درنگ دارد و روشن نیست.

نقد چهارم: برخورداری از آرایه‌های ادبی و استعاره و کنایه در آیات محکم نیز فراوان است.

نقد پنجم: کاربست کنایه با متشابه بودن آیه لازم و ملزوم یکدیگر نیستند. برای نمونه در آیه ﴿وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ﴾ (بقره/۲۳۷)، مسّ کنایه از آمیزش است و هیچ گونه تشابهی در کار نیست و آیه از محکّمات است.



۲. ایجاد انگیزه برای روی آوردن به پژوهش بیشتر و رسیدن به درجات و پاداش افزون‌تر

آیات متشابه زمینه‌ای مناسب برای تحقیق و تدبّر و کشف حقیقت هستند و این بستر آماده، محقق را مستحقّ ثواب می‌کند؛ همانند دیگر عبادات (طوسی، ۹/۱؛ زمخشری، ۳۳۸/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۷۰۲/۲؛ فخر رازی، ۱۸۵/۷؛ ابن جوزی، ۳۰۲/۱؛ زرکشی، ۷۵/۲؛ رشیدرضا، ۱۴۰/۳).

نقد یکم: در تعریف آیات متشابه گذشت که دارای نوعی همانندی فتنه‌انگیز میان مراد و نامراد و حق و باطل‌اند و این معنا با چنین ادعایی سازگاری ندارد.

نقد دوم: معنای این آیات برای راسخان در دانش و حقیبمان روشن است و تنها باطل‌گرایان‌اند که دنبال آشوب می‌گردند، پس فتنه‌گریزان شکی ندارند که آیات متشابه دربردارنده معنایی حقیقی و درست و دور از هر آن چیزی است که مخالف با اصول و فروع دین است. بر این اساس، چنگ زدن به معنای حقیقی آیه و دوری جستن از پرتگاه فتنه، وظیفه همه مؤمنان است.

نقد سوم: این سخن در آیات مجمل درست است که دو یا چند معنا، با درصد احتمالی یکسان یا نزدیک به هم در آنهاست و قهراً زمینه پژوهش وجود دارد، ولی در آیات متشابه که دارای ظهور هستند، هرگز درست نیست؛ چون در آنها جدال میان حق و باطل است.

۳. جذب افکار گوناگون برای تلاش در کشف معنای حقیقی

اگر معنای تمام آیات قرآن روشن بود و مذهب حق را آشکارا می‌نمایاند، دارندگان دیگر مذاهب به جهت تعصبی که بر عقاید خود داشتند، از قرآن متنفر و رویگردان می‌شدند و اصلاً به آن اعتنا نمی‌کردند، اما با وجود آیات متشابه و دارای چند معنا، اصحاب مذاهب به طمع یافتن آیه‌ای متناسب با عقاید خود، در قرآن غور می‌کنند و از رهگذر بررسی تشابهات و محکّمات، آهسته آهسته به اشتباه

خود و بطلان مذهب خویش پی برده و به حقیقت رو می‌آورند (راغب اصفهانی، ۸۹/۱؛ فخر رازی، ۱۸۵/۷؛ زرکشی، ۷۵/۲؛ رشید رضا، ۱۴۰/۳).

نقد یکم: خدای دانا برتر از آن است که حق و باطل را با هم درآمیزد تا برای آیین خود مشتری بیابد! آری، خدای توانا از دست یازیدن به وسیله‌های خلاف هدف هدایت بی‌نیاز است، بلکه چنین کاری شایسته حکمت و عدالت او نیست؛ چون در این صورت چه بسا دارندگان عقاید باطل به سوی حق گرایش نیابند و با این اندیشه که عقیده آنان با قرآن هماهنگ است، حتی در اشتباه بودن آن نیز به تردید نیفتند و روز رستاخیز نیز به پیشگاه خدا عذر آورند که کلام تو به گونه‌ای بود که ما را در عقایدمان استوار ساخت. پس بر خدای سبحان سزاوار نیست که برای اهل باطل جای عذری بگذارد!

نقد دوم: آیات متشابه خود پدیدآورنده مکاتب فکری گوناگون و اختلاف در عقاید کلامی شده‌اند، پس چگونه خواهند توانست سبب جذب مکاتب مختلف به مکتب حقیقی و معنای واقعی آیات شوند؟

نقد سوم: بر پایه آیه ۷ سوره آل عمران، تشابهات زمینه‌ای مناسب برای فتنه‌جویان هستند و بر این اساس، نمی‌توان پذیرفت که ذات اقدس ربوبی آیات متشابه بفرستد تا عامل جذب سران مکاتب گوناگون باشند.

نقد چهارم: مذاهب مختلف هنگام نزول قرآن کجا بودند که خدای والا برای جذب سران آنها به فرستادن آیات متشابه رو آورد؟ (رشید رضا، ۱۴۰/۳)

نقد پنجم: آیا تاکنون کسی از اصحاب مکاتب گوناگون با استمداد از تشابهات، راهیاب شده و این حکمت و هدف، عملی گشته است؟ (همان)

۴. رعایت سطح مختلف مخاطبان

وجود آیات متشابه به دلیل رعایت حال تمامی مردم و در نظر گرفتن سطح فکری اقشار مختلف است (ابن رشد، ۸۹، ۹۶، ۱۰۷؛ فخر رازی، ۱۸۶/۷؛ ابن عربی، تفسیر القرآن الکریم، ۱۶۷/۱؛ مغنیه، ۱۴/۲؛ رشید رضا، ۱۴۱/۳؛ طباطبایی، ۶۶/۳؛



معرفت، ۱۷/۳). توضیح بیشتر اینکه پیامبران برای هدایت توده مردم برانگیخته شده‌اند و در میان آنان، گروه‌های مختلفی از دید دانش و هوش هست. از سوی دیگر، معارف قرآنی در قیاس با فهم مردم یکسان نیستند، بلکه برخی سنگین‌تر و دشوارتر است. از این رو آموزه‌هایی را که فهم آنها برای عموم مردم دشوارند، در قالب کنایه و تعریض آورده تا خواص آن را بفهمند و عوام نیز در صورت نفهمیدن، به آن ایمان آورده و علم آن را به خدا و اهلش واگذارند.

هنگامی که با توده مردم درباره هستی‌مندی فرازمانی و فرامکانی گفت‌وگو شود، آنان با توجه به افکار و اوهام خویش آن را در نمی‌یابند و قهراً به نبود چنین موجودی حکم می‌کنند، ولی اگر در آیات دیگری به‌گونه صریح در این زمینه سخن گفته شود، آنان آهسته آهسته چگونگی هستی آن هستی‌دار را می‌فهمند.

نقد یکم: این سخن درست است که روش انبیای الهی بر رعایت حال تمامی مردم و سخن گفتن به اندازه گنجایش دانشی آنان بوده است؛ «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کلینی، ۲۳/۱)، اما درباره آیات متشابه نمی‌توان از این گزاره سود جست؛ چون دلیلی برای این اثبات ادعا نیست که محکّمات برای همگان و متشابهات برای خواص فرود آمده باشند و از قرآن نیز چنین چیزی را نمی‌توان استنباط کرد.

نقد دوم: بر پایه آیات قرآن، متشابهات را باید به محکّمات (أمّ الکتاب) برگرداند تا بتوان معانی آنها را فهمید. بر پایه این شیوه، آیات متشابه معنایی بیش از آنچه در محکّمات آمده است، نخواهند داشت، و گر نه چگونه می‌توان با ارجاع به محکّمات، به معنای آن پی برد، در حالی که مدعا این است که آیات متشابه ویژه خواص و دربر گیرنده معانی خاصی است؟

آری! با عنایت به اینکه محکّمات أمّ الکتاب‌اند و تشابه‌زدایی با ارجاع به آنها انجام می‌شود، برای متشابهات مدلولی بیش از محکّمات نمی‌ماند. پس این پرسش همچنان بی‌پاسخ مانده است که چرا قرآن دارای آیات متشابه است؟ (طباطبایی، ۶۶/۳).

نقد سوم: اگر محکّمات همگانی و متشابهات ویژه هوشمندان باشد، آیاتی که نه محکم‌اند نه متشابه، بدون مخاطب خواهد ماند. پس دسته‌بندی آیات به دیده مخاطبان با طبقه‌بندی آنها به نگره احکام و تشابه، هیچ ربطی به یکدیگر ندارد.

نقد چهارم: این بیان فقط در آیاتی بجاست که از کنایه و استعاره برخوردار باشند، اما در دیگر آیاتی که به موضوع خلقت، قضا و قدر و الهی، اراده و... پرداخته و دو آرایه پیش‌گفته در آنها به‌کار نرفته‌اند، پاسخ درستی نیست، پس اخصّ از مدعا خواهد بود.

۵. تقویت تعقل و اندیشه‌ورزی و پرهیز از تقلید

وجود این آیات در قرآن که از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردارند، سبب جنبش بینشی و ورزیدگی نیروی فکری مسلمانان بر اثر دقت در مطالب می‌شود و به‌تدریج از تاریکی نادانی و تقلید بیرون رفته و به نور تفکر و اجتهاد و شکوفایی عقل دست می‌یابند و همچنان این روش را سیره خود قرار می‌دهند تا در تمام شؤون زندگی، از نیروی عقل بهره‌ور گردند (نک: طوسی، ۹/۱؛ فخر رازی، ۱۸۵/۷؛ زرکشی، ۷۵/۲؛ نهایندی، ۲۰/۱؛ رشید رضا، ۱۴۱/۳؛ صادقی تهرانی، ۲۰/۵؛ طباطبایی، ۶۶/۳؛ مکارم شیرازی، ۴۳۶/۲).

نقد یکم: تدبّر و تفکر در تمامی آیات قرآن ممدوح، بلکه بایسته است، چنان‌که همو در آیات مختلف، مخاطبان را بدین مهم فرا خوانده است (بیش از هفتاد آیه درباره موضوع دعوت به تعقل و تفکر و تدبّر است). بنابراین این ویژگی تنها در آیات متشابه نیست (طباطبایی، ۶۶/۳).

نقد دوم: دعوت به بهره‌گیری از نیروی عقل در آیات روشنی از قرآن آمده و مردم را به تفکر در رمز و رازهای جهان آفرینش و دانش‌افزایی فراخوانده است، پس طرح این مسأله در قالب آیاتی فتنه‌زا و چالش برانگیز چه ضرورتی دارد؟ (همان).



افزون بر این، دعوت نامفهوم با هدف هدایت مردم ناهماهنگ است و از این مهم در اصطلاح، به نقض غرض یاد می‌شود.
نقد سوم: دریافت معانی محکمت نیز بی‌شک به تحقیق و آگاهی از استدلال‌های ژرف قرآنی نیازمند است، پس این مهم ویژه متشابهات نیست.

۶. ابزار تحصیل علوم گوناگون و دانش‌افزایی

در یک نگاه ارزشی، حکمت وجود آیات متشابه، پدید آوردن نهضت تولید علم و سوق دادن مخاطبان به سوی دانش‌های مختلف و بهره‌مند شدن آنان از اسرار آفرینش و افزودن بر سطح دانش خویش است (فخر رازی، ۱۸۵/۷؛ کاشانی، ۴۵۰/۱؛ رشید رضا، ۱۴۱/۳؛ طباطبایی، ۶۵/۳).

نقد یکم: آیات متشابه دربردارنده همانندی فتنه‌انگیز میان مراد و نامراد و حق و باطل هستند و بی‌شک از چنین بستری، دانشجویی و افزودن بر سطح علمی مخاطبان را نمی‌توان انتظار داشت.

نقد دوم: به فرض قبول این مدعا، ویژگی یادشده در همه آیات قرآن، اعم از محکم و متشابه وجود دارد و خدای حکیم در سراسر قرآن، به بیان آیات آفاقی و انفسی پرداخته تا از این رهگذر، بر معرفت مخاطبان بیفزاید، پس منحصر دانستن این ویژگی به آیات متشابه خطاست.

۷. گنجینه اسرار ارزشمند

آیات متشابه چونان گنجینه‌ای ارزشمند برای معارف رمزآلود قرآن هستند. برخی بر این باورند که ادبیات خاص آیات متشابه که ابهام‌آلود و دو پهلوست، سبب افزایش ظرفیت این آیات برای دربر گرفتن معارف بلند شده است، چنان‌که به گفته برخی، اگر تمامی قرآن محکم می‌بود، از فصاحت به دور می‌شد و بیش از هزار جلد کتاب می‌گشت! (قاضی عبدالجبار، ۸۴؛ ابن جوزی، ۳۰۲/۱؛ طیب، ۱۱۴/۳).

نقد یکم: آیا آیاتی که زمینه فتنه‌انگیزی برای بیماردلان را فراهم می‌کنند، شایستگی گنج بودن را دارند؟

نقد دوم: بر فرض پذیرش، این ویژگی فقط از آن آیات متشابه نیست، بلکه تمامی آیات قرآن گنجینه اسرار و خزانه معارف الهی است.

۸. رمز پایداری در مقابل مخالفان

اگر همه آیات قرآن محکم و با مدلول صریح همراه می‌بود، آیات روشنگر امامت و جانشین پیامبر ﷺ و نفاق منافقان به‌کلی آشکار می‌شد و دین ستیزان به سرعت ریشه آن را می‌سوزاندند (طیب، ۱۱۴/۳).

نقد یکم: در این بیان، میان مجمل و متشابه درهم آمیخته شده است؛ چون به‌صراحت قرآن مجید، آیات متشابه دارای نوعی همانندی فتنه‌زا است، نه مجملاتی که حقیقت و مصداق آنها به‌روشنی نیامده و چند احتمال همسان یا نزدیک به هم در آنهاست.

نقد دوم: آیا با وجود آیاتی محکم و صریح، مانند ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مانده/۳)، ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مانده/۵۵) و ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری/۲۳)، به‌خانه ولایت‌مدار حقیقی حمله نکرده و آن را آتش نزدند؟!

۹. رویکرد به عبادت برتر

دل دادن به قرآن و پیوستن به آن و پذیرفتن حقایقش نوعی عبادت به‌شمار می‌رود. اگر همه آیات محکمت بودند، به آسانی معانی آنها فهمیده می‌شد و هیچ‌گونه سختی در کار نبود، ولی با وجود متشابهات، این عمل عبادی با دشواری بیشتری همراه خواهد شد و قهراً پاداش افزون‌تری خواهد داشت (جوادی آملی، ۱۲۲/۱۳).

نقد یکم: آیا عبادت بودن با فتنه‌انگیز بودن همگون و هماهنگ است؟



نقد دوم: به جان خریدن هر گونه سختی، شایستگی دریافت پاداش را در پی ندارد و دو عنوان «رنج و اجر» به شکل مطلق لازم و ملزوم همدیگر نیستند (همان).
نقد سوم: گره زدن پاداش‌گیری به حلّ معماً از سوی خدای والا حکیمانه نیست. چنانچه تحمّل زحمتی سبب رشد و بالندگی آدمی نگردد، هرگز کمال نامیده نمی‌شود تا استحقاق ثواب را به ارمغان آورد! (همان، با اندکی پردازش)

۱۰. آزمودن و جدا ساختن مؤمن راسخ از منافق مذذب

به گفته برخی، خدای والا در قرآن مجید آیات متشابه قرار داد تا مؤمنان را بیازماید و درجات تسلیم آنها را آشکار سازد، تا روشن شود چه کسی واقعاً تسلیم خداست و چه کسی در ایمان و تسلیم، سست و ناپایدار است؛ زیرا معنای آیات متشابه را همگان نمی‌دانند. پس ایمان آوردن به آنها با وجود درک نکردن معنای واقعی‌شان، فضیلت به‌شمار می‌رود و اگر تمام آیات قرآن محکم بود، ایمان آوردن به آن، بیانگر خضوع و تسلیم همه سویه در برابر خدا و رسول او نبود (زمخشری، ۳۶۶/۱؛ زرکشی، ۷۵/۲؛ ابن عربی، رحمة من الرحمن، ۴۱۲/۱؛ ابن جوزی، ۳۰۲/۱؛ نهایندی، ۲۰/۱؛ رشید رضا، ۱۴۱/۳؛ زحیلی، ۱۵۴/۳؛ طباطبایی، ۶۶/۳؛ مکارم شیرازی، ۴۳۷/۲).

نقد یکم: انسان در مقابل چیزی خضوع کرده و در برابرش سر فرود می‌آورد که عظمت آن را بشناسد یا از درک بزرگی آن ناتوان باشد؛ مانند قدرت بیکران و عظمت بی‌همسان خدای والا، اما در برابر چیزی که عقل آدمی اصلاً آن را نمی‌فهمد و تنها از ظاهر آن فریب خورده و به‌ظاهر گمان می‌کند که آن را درک کرده است، خضوع معنایی ندارد. آیات متشابه از این دست‌اند؛ چون عقل در فهم آنها سرگردان است، اما پندار فهمیدن دارد. بنابراین خضوع به‌معنای نفهمیدن و تسلیم شدن، درست نیست (طباطبایی، ۶۶/۳).

نقدی بر نقد: در شناسه متشابه گذشت که دارای ظهور است، ولی ظاهرش گویای مراد واقعی نیست. بر این اساس، اسناد سرگردانی و تحیر به عقل و ناتوانی

آن در درک معنای متشابه پذیرفتنی نیست. بر پایه اصل مقبول عقلایی، ظهورات الفاظ روشن‌گر مقاصد حقیقی گوینده و نویسنده آنهاست، پس چه تحیری؟! آری! عقل آن را به خوبی می‌فهمد، ولی از آنجا که ظهور آیه متشابه توانایی ارائه مراد گوینده را ندارد، آن را نمی‌پذیرد و در کشف مراد واقعی می‌کوشد تا سره را از ناسره و درست را از نادرست جدا سازد.

نقد دوم: برای راسخان و کسانی که معانی آیات متشابه را دریافته‌اند نیز تشابهی در کار نیست؛ چون به همان اندازه که نسبت به آیات محکم علم و احاطه دارند، آیات متشابه را نیز می‌فهمند، از این رو گزینه خضوع به جهت نفهمیدن معنای آیه برای ایشان نیز درست نیست.

نقد سوم: در صورت پذیرفتن بیان پیش‌گفته، این ویژگی از آن تمامی آیات قرآن، اعم از محکم و متشابه است؛ زیرا بر مؤمن واجب است در برابر همه آیات قرآن خاضع و تسلیم باشد و همه را آسمانی و الهی بداند.

نقد چهارم: آیا آیات فتنه‌انگیز می‌تواند وسیله‌ای شایسته برای آزمون باشد؟ آیا امتحان دادن پس از پیشینه دانایی نیست؟ آیا آزمون افراد به نادانسته‌ها درست است؟

۱۱. تغذیه فکری عارفان با الهامات عرفانی

از دیگر ادله وجود آیات متشابه، وجود الهامات عرفانی در این گونه آیات است که به عارفان و سالکان کمک می‌کند تا تأویل حقایق آیات متشابه را به اخبار الهی دریافته و سیر و سلوک را آسان‌تر و پرشتاب‌تر ببینند (ابن عربی، رحمة من الرحمن، ۳/۴۱۳).

نقد یکم: این ادعا که در درون آیات متشابه الهامات عرفانی نهفته باشد، سخنی بدون دلیل است؛ چون در تعریف آنها گذشت که ویژگی همانندی فتنه‌انگیزی در آنهاست. با این همه، آیا می‌تواند دربردارنده پیام‌های عرفانی باشد؟



نقد دوم: به فرض قبول، این ویژگی در آیات محکم نیز هست و دلیلی برای انحصار نیست. بی‌شک قرآن کریم کتاب عرفان ناب است و در جای‌جای آیاتش، پویاترین و پایاترین رهنمودهای عرفانی را پیش می‌نهد.

۱۲. وسیله ارجاع به اهل بیت علیهم‌السلام

از برکات وجود متشابهات در قرآن، زمینه‌سازی برای ارجاع عموم امت به خاندان وحی علیهم‌السلام و برقراری پیوند عالمانه با آنان است (نک: طیب، ۱۱۴/۳؛ مکارم شیرازی، ۴۳۷/۲؛ جوادی آملی، ۲۲۲/۱۳).

توضیح بیشتر: از سویی آیات متشابه به سبب ظاهر رمزآلود و مبهم خود، توده مردم را از فهم معنای واقعی خود ناتوان ساخته است. از سوی دیگر، خدای والا قرآن را برای فهم و عمل فرستاده و لزوماً باید راهی برای فهم آیات متشابه نیز باشد که آن، رجوع به دودمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که از هر کسی بیشتر به بطن و حقایق قرآن راه دارند. پس وجود متشابهات، بهانه‌ای است برای درک نیاز امت به امام.

در این زمینه روایت علوی علیه‌السلام نیز گواه گویای مدعاست؛ «ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ - جَلَّ ذِكْرُهُ - لَسَعَةَ رَحْمَتِهِ وَرَأْفَتِهِ بَخَلْقِهِ وَعِلْمِهِ بِمَا يَحْدِثُهُ الْمَبْطُلُونَ مِنْ تَغْيِيرِ كَلَامِهِ، قَسَمَ كَلَامَهُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ: فَجَعَلَ قِسْمًا مِنْهُ يَعْرِفُهُ الْعَالِمُ وَالْجَاهِلُ؛ وَ قِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا مَنْ صَفَى ذَهْنَهُ وَ لَطَّفَ حَسَّهُ وَ صَحَّ تَمْيِيزُهُ مِمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ؛ وَ قِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ أَمْنَاؤُهُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِثَلَاثٍ يَدَّعِي أَهْلُ الْبَاطِلِ مِنَ الْمَسْتَوَلِينَ عَلَى مِيرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ، مَا لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُمْ وَ لِيَقُودَهُمُ الْإِضْطِرَارَ إِلَى الْإِيْتِمَارِ لِمَنْ وُلَّاهُ أَمْرَهُمْ، فَاسْتَكْبَرُوا عَنْ طَاعَتِهِ تَعَزُّزًا وَ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ وَ اغْتِرَارًا بِكَثْرَةِ مَنْ ظَاهَرَهُمْ وَ عَاوَنَهُمْ، وَ عَانَدُوا اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ وَ رَسُولَهُ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (طبرسی، الاحتجاج، ۵۹۶/۱).

نقد یکم: با عنایت به آنکه قرآن مجید دارای ساختار چند معنایی (ظاهر و باطن، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین و...) است و در تمامی این موارد، شناخت درست و حقیقی جز با رجوع به اهل بیت علیهم‌السلام امکان ندارد، پس احساس نیاز به وجود

مفسران راستین قرآن که به سرچشمه زلال وحی متصل‌اند، درباره فهم شبکه معنایی همه آیات است، نه فقط متشابهات.

نقد دوم: بر پایه سخنان امامان علیهم‌السلام، روایات آنان نیز دو گونه و دربردارنده محکم و متشابه‌اند؛ «انّ فی أخبارنا متشابهاً کمتشابه القرآن و محکماً کمحکم القرآن؛ فردّوا متشابهها إلی محکمها و لا تتبعوا متشابهها دون محکمها فتضلّوا» (صدوق، ۲۶۱/۱). بر این اساس، وجود متشابهات هدفی برای ایجاد انس با آن دودمان آسمانی نمی‌تواند باشد.

نقد سوم: بر پایه ظهور سخن نورانی امام علی علیه‌السلام، کودتاگران سقیفه و پی‌سپاران آنان، با همدیگر همدست و همداستان شده و بر میراث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تاختند و مستکبران از پیروی ولی امر خود رخ برتافته و به نبرد با خدا و رسول پرداختند. یکی از قلمروهای یغماگران، ارث علوم آسمانی آن حضرت است و واژه «علم‌الکتاب» بیانگر آگاهی امیرمؤمنان علیه‌السلام به همه لایه‌های معنایی آن است و بی‌شک برای دستیابی به چنین معرفت جامع و همه‌سویه، راهی جز تمسک به آستان قدس آن دودمان نیست.

۱۳. ابزار بیان برتری دانشمندان بر دیگران

به گفته برخی قرآن‌شناسان، علت وجود آیات متشابه، اثبات برتری دانشمندانی است که معنا و مفهوم واقعی این آیات را می‌توانند درک کنند، بنابراین متشابهات بهانه‌ای هستند برای بالا بردن جایگاه عالمان قرآن نزد عموم مردم؛ چون وقتی عوام خود را از درک آیات متشابه ناتوان ببینند و در برابر، چگونگی درک و تفسیر آگاهان را ببینند، به برتری آنها ایمان آورده و در پیشگاه آنان فروتن و خاضع می‌گردند (نک: طوسی، ۹/۱؛ طبرسی، جوامع الجامع، ۱۵۹/۱؛ ابن جوزی، ۳۰۲/۱؛ زرکشی، ۷۵/۲؛ کاشانی، ۴۵۰/۱؛ نهایندی، ۲۱/۱).



از سوی دیگر، جایگاه دانش هم ارج نهاده شده است و برای عموم مردم نیز تشویقی خواهد بود که به گنجایش دانشی خود افزوده و سطح معرفت خود به قرآن را بالا ببرند.

نقد یکم: چالش آفرینی و ایجاد بستری فتنه‌انگیز، تنها به قصد بیان برتری دانشمندان، حکیمانه و با عدالت خدا هماهنگ نیست؛ چه بسا در این میان، عده‌ای از عوام فریب بخورند و به سبب ظاهر غیر روشن متشابهاً، به مکاتب انحرافی گرایش یابند.

نقد دوم: به فرض قبول این مدعا، اثبات برتری دانشمندان در تبیین اسرار دیگر آیات نیز هست؛ چون قرآن، کتاب اندر کتاب و تمامی آیاتش سرشار از نکات ژرف است که هر کس را یارای دست یافتن به آنها نیست و تنها پاکان راستین و راسخان در دانش از چنین توفیقی برخوردارند: ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِیمٌ* فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ* لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه/۷۷-۷۹).

۱۴. بیان ارجمندی عقل و اعتباربخشی به آن در حوزه شناخت دین

از سویی، عقل یکی از نعمت‌های گرانقدر الهی و امتیاز آدمی بر دیگر موجودات است و دین نیز از هدایای گرانمایه خدا بر اوست. از سوی دیگر، با این پرسش روبه‌رو هستیم که آیا منبع دین‌شناسی فقط نقل و وحی است یا از رهیافت‌های عقل نیز می‌توان در این زمینه مدد جست؟ قرآن حکیم در ادامه آیه متشابهاً، آگاهی از تأویل را از ویژگی‌های خدا و راسخان در علم شمرده است؛ یعنی استوارمردان در دانش؛ آنان که در علم رسوخ کرده و نوردار گشته‌اند؛ نه کسانی که علم در آن رسوخ کرده و انبار واژگان و قواعد و موضوعات و محمولات شده‌اند.

درخور درنگ است که آیه یاد شده رسوخ در دین را سنجه خبرداری از تأویل ندانسته است، چون در صدد بیان ارجمندی عقل و علم در حوزه دین‌شناسی است (راغب اصفهانی، ۸۹/۱؛ رشید رضا، ۱۴۱/۳).

نقد یکم: آیا انزال آیات متشابه که دارای همانندی نامراد به مراد است و دستمایه‌ای برای فتنه‌انگیزی آلوده‌دلان، راه درستی برای ارج‌گذاری به عقل و اندیشه است؟

نقد دوم: قرآن حکیم در آیات فراوانی، مستقیم و نامستقیم، به بهره‌وری از نیروی عقلی خدادادی فرا خوانده و تعقل‌گریزان را نکوهیده و بسته شدن کانون تفکر (قلب) را سبب سقوط از انسانیت به حیوانیت دانسته است (انعام/۲۵، اعراف/۱۷۹، توبه/۸۷ و ۱۲۷، نحل/۱۰۸، اسراء/۶۷، کهف/۵۷، محمد/۲۴). با این همه، آیا جایی برای ابهام و تردید می‌ماند تا از راه متشابهاًت بدین مهم رو آورد؟

نقد سوم: قرآن مجید در آیاتی متعدد به گونه‌ای روشن، ارزشمندی علم و عقل و برهان‌های عقلی را یادآور شده است. برای نمونه می‌توان به آیات ۳۰-۳۳ سوره بقره نگریست که برتری انسان بر فرشتگان و علت دستیابی به خلافت الهی - افزون بر عبودیت - را علم دانسته است. نیز آیاتی که اساساً مقوله پاداش و جزا را مبتنی بر دانش و آگاهی شمرده است؛ مانند ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ (اسراء/۱۵) و ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ﴾ (قصص/۵۹). نیز آیاتی که انسان را عملاً به نوعی تفکر استدلالی و برهانی فرا خوانده و واداشته است؛ مانند ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ (انبیاء/۲۲) و ﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ * ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ (ملک/۳-۴).

۱۵. اقامه حجّت بر مخالفان

یکی از ساحت‌های اعجازی و ناتوان‌سازی مخالفان نبوی ﷺ، همین آیات متشابه است؛ چون با ابزار شناخته شده (حروف و کلمات) و زبان آنان فرود آمده، ولی آنها از درک حقایق آن ناتوان‌اند (زرکشی، ۷۵/۲).



نقد یکم: آیا آیات دارای سوژه‌های فتنه‌انگیزی برای تحدی و اعلان اعجاز قرآن شایستگی دارند؟

نقد دوم: با وجود ساختاری زیبا و آرایه‌های ادبی شگفت‌انگیز، موسیقی و آهنگ روان، بافتاری بلند و محتوایی جذاب که افرادی چونان ولیدبن مغیره مخزومی (کارشناس و داور بین‌المللی عرب پیش از بعثت) در برابر آن می‌گوید: «والله! لقد نظرتُ فيما قال هذا الرجل، فإذا هو ليس له شعرٌ و انَّ له لحلاوةٌ و انَّ عليه لطلاوةٌ و انَّ أعلاه لمثمرٌ و انَّ أسفله لمغدقٌ و انه يعلو و لا يعلی علیه» (طبری، ۹۸/۲۹؛ زمخشری، ۶۴۹/۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ۹-۱۰/۵۸۴)، آیا به فرستادن آیاتی که سوژه فتنه‌انگیزان و تأویل‌طلبان می‌توانند باشند، نیازی هست؟

۱۶. بیان عظمت قرآن

هر کتابی که فهم مطالبش دشوار باشد، ارج و منزلتش پیش مردم والاتر است (نهاوندی، ۲۰/۱).

نقد یکم: آیا آیات دربردارنده مفاهیم فتنه‌انگیز می‌توانند ابزاری شایسته برای آشکار ساختن عظمت قرآن باشند؟

نقد دوم: بیان بزرگی و والامرتبگی قرآن حکیم را ساختار زیبا و آهنگ‌های گوش‌نواز و بافتار علمی و دلنشین آن بر عهده دارند، نه آیاتی که می‌توانند سوژه بیماردلان تأویل‌جو باشند.

۱۷. شدتِ اهتمام به حفظ و فزونی مهرورزی به مضامین آیات قرآن

هنگامی که انسان برای به‌دست آوردن چیزی زحمت بسیار می‌کشد و فراوان می‌کوشد، آن را بیشتر دوست می‌دارد و در نگهداری‌اش فزون‌تر می‌کوشد (همان).

نقد یکم: انزال آیاتی که مراد به نامراد درهم آمیخته و سبب تشابه گشته و دستمایه بیماردلان و فتنه‌انگیزان شده‌اند، برای خدای حکیم وسیله شایسته‌ای برای رسیدن به هدف پیش‌گفته نیست.

نقد دوم: با وجود آیاتی که مردم را به گونه زیبا و رسا به انس با کتاب الهی و اندیشیدن در معانی و حقایق بلند مضمون آن فرا می‌خواند، آیا به آیات متشابه نیازی هست؟

۱۸. تشابه طبیعی و صوری

خدای حکیم قرآن را با هدف هدایتی خاصی فرستاد که دربرگیرنده قوانین پیوند انسان با خدای خود، نیز ارتباط با جهان هستی و با مقصد و مقصود آن است و برای تحقق این مراد، ناچار او را باید با معارفی ملکوتی (فرازمینی و فرازمانی)، مانند حقایق غیبی (عرش، کرسی، برزخ، قیامت، صراط و...) و رموز آفرینش آشنا می‌ساخت و چون بشر خاکی با واژگان ملکی و محسوس خود انس دارد، خدای والا نیز از طریق همان الفاظ به بیان مطالب پرداخته است، و گر نه برای آنان فهم‌پذیر نبود و هدف هدایت نقض می‌شد.

آری! چون معارف معقول نامحسوس و فرامادی در قالب الفاظ زمینی و محدود ریخته شده‌اند، طبیعتاً تشابه پدید آمده است. این آیات هنگام نزول متشابه نبودند، چه بسا مخاطبان نخستین به دلیل بهره‌مندی از قراین پیرامونی نزول، بی‌هیچ ابهامی، مراد از این آیات را دریافت می‌کردند، ولی در مراحل پسین، در برخورد با فهم بشری که با برابره‌های بیرونی و مصادیق مادی آمیخته، رنگ تشابه به خود گرفته است؛ مانند باران که گاه باریدن، زلال و خوشبو، بی‌کف و پاکیزه است و پس از فرود آمدن به زمین، گل‌آلود و کفدار می‌گردد؛ ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾ (رعد/۱۷). بر این اساس، رخداد تشابه در برخی آیات، امری کاملاً طبیعی است (نک: ابن عربی، تفسیر القرآن الکریم، ۱/۶۷؛ فیض کاشانی، ۱/۳۱؛ طباطبایی، ۳/۶۷؛ موسوی سبزواری، ۵/۶۷ و ۷۱؛ صادقی تهرانی، ۳-۴/۳۵؛ معرفت، ۳/۱۹؛ جوادی آملی، ۱۳/۱۱۹).



دیدگاه برگزیده نگارنده

در نقد و تحلیل دیدگاه‌های هجده‌گانه روشن شد که هفده نظریه بر این پیش‌فرض استوار است که وجود تشابه در برخی آیات، تدبیری آگاهانه از سوی خداست، در حالی که پیشگیری از رخداد تشابه ممکن بود! در این میان فقط دیدگاه هجدهم بر طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بودن تشابه تأکید دارد؛ یعنی اگر امکان داشت، خدای مَنان مانع پیشامد هر گونه تشابه در آیات قرآن می‌شد.

آری! اقتضای طبیعی ارائه معارف متعالی در قالب الفاظ و ادبیات بشری، شکل‌گیری نوعی تشابه در برخی آیات قرآنی است، اما جلوگیری از این رخداد، در شمار محالات ذاتی نیست و راه‌هایی وجود داشت که خدای حکیم مانع عروض هر گونه تشابه بر آیات شود؛ چنان‌که بر اساس باور درست، هیچ آیه‌ای برای شخص پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام متشابه نبود. بنابراین خدا می‌توانست همان شرایط و امکانات را برای همه مردم فراهم آورد تا برای آنان نیز تشابهی شکل نگیرد، اما مهم این است که خدای مَنان چنین اراده‌ای نکرده و مانع رخداد تشابه برای دیگران نشده است که به نوعی می‌تواند تدبیری ارادی و عمدی به حساب آید؛ اما نه از آن نوع که برای آزمودن یا به تفکر واداشتن یا ارجاع مردم به اهل بیت علیهم‌السلام باشد، بلکه امکان رخداد تشابه، روندی طبیعی و غیر تصنعی داشته است.

مؤید این دیدگاه، تصریح خود قرآن به وجود متشابهات و تفاوت انسان‌ها در رویارویی صادقانه یا بدخواهانه با آنهاست. اگر همه انواع تشابه، عارضی و پس از عصر نبوی شکل گرفته بود، چندان طبیعی نمی‌نمود که قرآن به آن هشدار داده باشد؛ زیرا نبود هر گونه تشابه آیات در عصر نزول، سبب می‌شد مخاطبان نخستین قرآن، معنا و مصداقی برای آیه نشناسند، پس خود این آیه در شمار متشابهات قرار می‌گرفت!

نتیجه‌گیری

در پایان دستاوردهای این نوشتار را در سه عنوان پیش می‌نهیم:

۱- بر پایه این تحلیل، وجود آیات متشابه سیری طبیعی و ناگزیر داشته و به‌لحاظ ظرف نزول و داشته‌های مخاطبان، جز این راهی نبوده است؛ چنان‌که پدیداری شرور مقتضای عالم طبیعت است و آب و آتش پرسود، گاه ویرانگر می‌شوند؛ هرچند این آسیب‌رسانی، مقصود بالذات نیست و مراد بالعرض است.

۲- طبیعی بودن رخداد تشابه به‌معنای امتناع جلوگیری از آن نیست؛ چونان معلولیت‌های جسمی در نسل بشر که رخدادی طبیعی است و خدای توانا به‌خوبی می‌توانست با تدبیری تکوینی در مقاومت‌سازی ساختار جسمانی انسان، جلوی پیدایش هر گونه معلولیت را بگیرد، ولی حکمتش اقتضای این مقاومت‌سازی را نداشت.

۳- تشابه صفت ذاتی آیات نیست، بلکه وصف عرضی است و اگر همه مخاطبان قرآن چونان رسول خدا ﷺ و جانشینان پاک آن حضرت بودند، هرگز تشابهی رخ نمی‌نمود و دیگر قرآن‌پژوهانی که تفسیر و رموز بیانی وحی را از آب‌سخور تعالیم نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام بهره گرفته و در این فهم در شمار راسخان درآمده‌اند، این توان را دارند که پس از ژرف‌نگری عقلانی یا فراگشت و ارجاع متشابهات به محکمت، هیچ گونه تشابهی در آیات نبینند.

همه آیات قرآن ذاتاً محکم‌اند و تشابهی ذاتی - نه ثبوتاً نه اثباتاً - در کار نیست.

منابع و مأخذ

۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی؛ زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن رشد، محمد بن احمد؛ الکشف عن مناهج الأدلة فی عقائد الملة، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیة، بی‌تا.
۳. ابن عربی، محی الدین؛ تفسیر قرآن الکریم [تأویلات عبدالرزاق کاشانی]، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، دار الاندلس، بی‌تا.



۴. _____ ؛ رحمة من الرحمن فى تفسير واشارات القرآن، گردآورى محمود محمود الغراب، دمشق، مطبعة نصر، ۱۴۱۰ق.
۵. بلاغى، محمدجواد؛ آلاء الرحمن فى تفسير القرآن، قم، مركز الطباعة و النشر فى مؤسسة البعثة، ۱۴۲۰ق.
۶. جوادى آملی، عبدالله؛ تسنيم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
۷. رازى، فخرالدين محمدبن عمر؛ مفاتيح الغيب المشتهر بالتفسير الكبير، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۵ق.
۸. راغب اصفهانی، حسين بن محمد؛ جامع التفاسير، كويت، دار الدعوه، بی تا.
۹. رشيد رضا، محمد؛ تفسير القرآن الحكيم المشهور بتفسير المنار، تصحيح ابراهيم شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۶ق.
۱۰. زحيلي، وهبة؛ التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، دمشق - بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۸ق.
۱۱. زركشى، بدرالدين محمدبن عبدالله؛ البرهان فى علوم القرآن، بيروت، دار احياء الكتب العربية، ۱۹۵۷م.
۱۲. زمخشري، محمودبن عمر؛ الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، تصحيح مصطفى حسين احمد، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۴۰۷ق.
۱۳. صادقى تهرانى، محمد؛ الفرقان فى تفسير القرآن، قم، فرهنگ اسلامى، ۱۴۰۸ق.
۱۴. صدوق، محمدبن على بن بابويه؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، تصحيح حسين الاعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
۱۵. طباطبايى، سيد محمدحسين؛ الميزان فى تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۱۶. طبرسى، فضل بن حسن؛ تفسير جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران، ۱۴۰۹ق.
۱۷. _____ ؛ مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق سيد هاشم رسولى محلاتى، سيد فضل الله يزدى، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۸ق.
۱۸. طوسى، محمدبن حسن؛ التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، بی تا.

۱۹. طیب، سید عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۴ش.
۲۰. فیض کاشانی، محمد محسن؛ تفسیر الصافی، مشهد، دار المرتضی، بی تا.
۲۱. قاضی عبدالجبار، ابن احمد؛ تنزیه القرآن عن المطاعن، بیروت، دارالنهضة، بی تا.
۲۲. کاشانی، مولا فتح الله، زبدة التفاسیر، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱ق.
۲۴. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۵ق.
۲۵. مغنیه، محمدجواد؛ التفسیر الکاشف، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۰م.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.
۲۷. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، دفتر آیه الله العظمی سبزواری، ۱۴۱۴ق.
۲۸. نهاوندی، محمد بن عبدالرحیم؛ نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، تهران، المطبعة العلمیه، بی تا.